

دلالت‌های حکمرانی و سیاست‌گذاری بیانیه «گام دوم انقلاب»

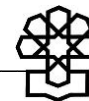
معاونت پژوهش‌های اجتماعی - فرهنگ
دفتر: مطالعات آموزش و فرهنگ

کد موضوعی: ۲۷۰
شماره مسلسل: ۱۶۵۹۰
شهریورماه ۱۳۹۸

به نام خدا

فهرست مطالب

| | |
|---------|---|
| ۱..... | چکیده |
| ۲..... | مقدمه |
| ۳..... | الف) آشنایی زدایی از بیانیه «گام دوم انقلاب» |
| ۳..... | ۱. کلان نظریه توضیح دهنده انقلاب اسلامی |
| ۵..... | ۲. منطق حرکت اولیه انقلاب اسلامی |
| ۶..... | ۳. نسبت حوزه‌های مختلف در حرکت اولیه انقلاب اسلامی |
| ۸..... | ۴. منطق پیشرفت از دیدگاه رهبر انقلاب اسلامی |
| ۹..... | ۵. شرایط و الزامات قدم نهادن در گام دوم انقلاب و مسیر پیشرفت آن |
| ۹..... | ۶. وضعیت جمهوری اسلامی در آستانه گام دوم |
| ۱۰..... | ۷. چالش‌های جمهوری اسلامی ایران در آستانه گام دوم |
| ۱۱..... | ب) ترسیم روابط نسلی پیشبرندگان گام‌های اول و دوم |
| ۱۳..... | ج) واکاوی بیانیه «گام دوم انقلاب» |
| ۱۹..... | د) پیامد ابهام‌های «گام اول انقلاب» برای نظام تصمیم‌گیری کشور |
| ۲۰..... | ه) چشم‌انداز حرکت «گام دوم» در راستای تأسیس تمدن نوین اسلامی - ایرانی |



دلالت‌های حکمرانی و سیاست‌گذاری بیانیه «گام دوم انقلاب»

چکیده

در این گزارش کوشش شده تا بیانیه گام دوم انقلاب به مقتضای فعالیت نخبگان دانشگاهی، کارشناسان دستگاهی و مسئولان اجرایی کشور مورد تبیین و تشریح قرار گیرد. ابتدا اهمیت بیانیه از خلال توجه به شخصیت بیانیه از دو منظر بیرونی و درونی مورد بررسی واقع شده است. بر این اساس، مناظر بیرونی و درونی بیانیه سبب می‌شود تا مخاطب عام، از یک سو با آنچه گفته شده احساس همراهی و هم‌سخنی کند و از سوی دیگر، وجهی از تکرار و آشنایی را در متن بیابد. برای عبور از این وضعیت، لاجرم نوعی آشنایی‌زدایی از چارچوب کلی حاکم بر بیانیه در دستور کار قرار گرفته است. در این چارچوب، می‌توان گفت بیانیه گام دوم به طور اجمال متشکل از اجزای زیر است:

۱. کلان نظریه توضیح‌دهنده انقلاب اسلامی،
۲. منطق حرکت اولیه انقلاب اسلامی،
۳. نسبت حوزه‌های مختلف در حرکت اولیه،
۴. منطق پیشرفت از دیدگاه رهبران انقلاب اسلامی،
۵. شرایط و الزامات قدم نهادن در گام دوم انقلاب و مسیر پیشرفت آن،
۶. وضعیت جمهوری اسلامی در آستانه گام دوم،
۷. چالش‌های جمهوری اسلامی در آستانه گام دوم.

در مرحله بعد، تلاش می‌شود تا نوعی واکاوی از مباحث مطروحه مدنظر قرار گیرد. منظور از واکاوی، تلاش برای نشان دادن روابطی است که به‌رغم وجود شواهد آن در متن، شناخت آن به سهولت میسر نخواهد بود. در این چارچوب، به نظر می‌رسد طی سه دهه گذشته در لایه‌های مختلفی از مردم و مسئولان، اقتصاد از یک «بزار تأثیرگذار» به یک «هدف کلیدی» تبدیل شده است. به عبارت دیگر، آنچه «مسئولان و مردم را در معرض فساد اقتصادی قرار می‌دهد»، «تعهد دولت درباره معنویت و اخلاق را زیر سؤال می‌برد» و «مذاکره با آمریکا را توجیه می‌کند» ریشه در برخی جهت‌گیری‌های اقتصادی کلان کشور دارد. این در شرایطی است که عمده‌تأ در جمهوری اسلامی تصور می‌شود دانش اقتصادی لازم برای اداره کشور در میان مسئولان و کارشناسان وجود دارد و آنچه مانع از تحقق جهش اقتصادی است، کمبود سرمایه‌گذاری و عقب‌ماندگی از فناوری و تکنولوژی روز است.

درنهایت، به نظر می‌رسد خروجی آنچه در واکاوی بیانیه گفته شد یعنی «ضعف در حوزه اقتصاد» و «سرریز آن به حوزه سبک زندگی و سیاست خارجی» سبب شده است تا دشمن طرح‌هایی را برای براندازی جمهوری اسلامی تدارک ببیند که بخش اعظم آنها در حوزه فعالیت نظام تصمیم‌گیری کشور است.

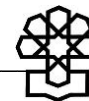
مقدمه

از زمان صدور بیانیه گام دوم انقلاب تا امروز چند ماهی می‌گذرد و دیدگاه‌های مختلفی درباره آن طرح شده است؛ دیدگاه‌هایی که عمدتاً ترویجی و تأییدی و البته خطاب به آحاد ملت ایران بوده‌اند. اما به نظر می‌رسد دیدگاه‌های منتشره نتوانسته‌اند از عهده تبیین و تشریح بیانیه بالاخص برای نخبگان دانشگاهی، کارشناسان دستگاهی و مسئولان اجرایی کشور برآیند.

برای شناخت اهمیت بیانیه مزبور، ابتدا باید اندکی درباره ضرورت و چیستی بیانیه یعنی شخصیت بیانیه از منظر بیرونی بیندیشیم. ضرورت انتشار بیانیه گام دوم، خطاب به ملت ایران آن هم در سالروز پیروزی انقلاب اسلامی و در شرایطی که ملت تحت یکی از سنگین‌ترین محاصره‌های اقتصادی تاریخ جهان معاصر هستند از بارزترین نشانه‌های وجه مردمی انقلاب اسلامی و رابطه ایمانی امام و امت است؛ رابطه‌ای که صرفاً یکی از نمودهای آن گره‌خوردن مشروعیت نظام اسلامی با حضور هر ساله مردم در راهپیمایی ۲۲ بهمن است؛ امری که نه تنها در کمتر جایی از جهان مسبوق به سابقه است بلکه بسیاری از نخبگان خیرخواه و هوادار انقلاب اسلامی برقراری چنین ارتباطی را نوعی خطرپذیری بی‌دلیل می‌دانند و برخی متفکران بزرگ امروز ما از ماهیت معمایی آن سخن گفته‌اند.^۱

دیگر اقدام لازم برای درک جایگاه بیانیه، توجه به شخصیت بیانیه از منظر درونی است؛ صداقت، صراحت و واقع‌گرایی روح اصلی حاکم بر گفتار رهبری است که با ملت خود سخن می‌گوید؛ امری که سبب می‌شود تا ما - برخلاف آنچه در کلام مستبدان و مستکبران امروز جهان می‌بینیم و می‌شنویم - نه تنها شاهد تعریف و تمجیدهای ستایش‌گرانه از خود، اغراق و بزرگ‌نمایی در دستاوردهای نظام، وعده و وعیدهای غلوگونه به ملت، پرده‌پوشی و غفلت از مشکلات و چالش‌های پیش روی مسئولان، طرح دعاوی قلدرمآبانه و وهم‌آلود خطاب به جهانیان و مواردی نظیر آن نباشیم، بلکه آنچه می‌بینیم و می‌شنویم مجموعه‌ای است مدون و قلمی از آنچه در سه دهه زعامت از رهبر خود آزموده‌ایم و البته دستی که برای پیشبرد آرمان‌های بلند و الهی ملت ایران به سوی ما دراز شده است. چنین متنی است

۱. برای مطالعه بیشتر رجوع کنید به: کچوئیان، حسین (۱۳۸۳)، **کندوکاو در ماهیت معمایی ایران (جهانی‌سازی، دمکراسی و جامعه‌شناسی سیاسی ایران)**، قم، بوستان کتاب.



که یک نفس و یک قلم به نگارش درمی آید و تنها میان تیتراهای آن است که توسط دیگران و صرفاً برای دسته‌بندی مطالب افزوده می‌شود.

از این جهت، مناظر بیرونی و درونی بیانیه سبب می‌شود تا مخاطب عام، از یکسو با آنچه گفته شده احساس همراهی و همسخنی کند و از سوی دیگر، وجهی از تکرار و آشنایی را درون متن بیابد؛ تکراری که ممکن است ضرورت صدور بیانیه را در ابهام فرو ببرد یا صدور آن را به اقتضائات سیاسی کوتاه‌مدت فرو بکاهد؛ اقتضائاتی که از جمله آنها واکنش قاطع درباره شکست خیالات و تبلیغات خام دشمن است؛ دشمنی که همه تلاش خود را به کار بست تا انقلاب، چهلمین بهار عمر خود را نبیند.^۱ بر این اساس، در متن پیش رو کوشیده‌ایم تا ضمن آشنایی‌زدایی از چارچوب کلی حاکم بر بیانیه، نوعی واکاوی از مباحث مطروحه آن را نیز به دست دهیم.^۲

الف) آشنایی‌زدایی از بیانیه «گام دوم انقلاب»

منظور از آشنایی‌زدایی، برجسته‌سازی بخش‌های مختلف بیانیه به نحوی است که اگرچه نگارنده آن را طرح کرده اما ممکن است از طریق ارائه صورت‌بندی جدید، منظم‌تر و طبقه‌بندی شده بصیرت‌های بیشتر و ظرایف پوشیده‌تری را فراروی مخاطب قرار دهد. بر این اساس، در ادامه به تلخیص دقیق نکات کلیدی بیانیه خواهیم پرداخت:

۱. کلان نظریه توضیح‌دهنده انقلاب اسلامی

چنانچه بندهای مرتبط با ماهیت و حقیقت انقلاب اسلامی را از بخش اول بیانیه (یک چله پرافتخار) استخراج کنیم، با کلان نظریه توضیح‌دهنده انقلاب اسلامی مواجه می‌شویم:

۱. رجوع کنید به: سخنرانی «جان بولتون» سفیر سابق آمریکا در سازمان ملل در نشست گروهک منافقین (مجاهدین خلق) در پاریس (۱۳۹۶/۴/۱۲).

۲. برای مطالعه درباره چگونگی و ضرورت کاربست «آشنایی‌زدایی» رجوع کنید به مقدمه کتاب زیر: نامداری، روح... (۱۳۹۶)، **خمینی؛ پدیده انسانی پیچیده: گزاره‌هایی برای آشنایی‌زدایی از تصویر عمومی‌شده امام خمینی رحمه‌الله...**، قم: دفتر نشر معارف.

جدول ۱. کلان نظریه توضیح‌دهنده انقلاب اسلامی

(بخش مرتبط با ماهیت و حقیقت انقلاب اسلامی در بخش اول بیانیه)

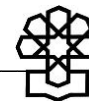
| ردیف | بندهای بخش اول بیانیه | مؤلفه‌های بیانگر ماهیت و دعاوی انقلاب |
|------|--|--|
| ۱ | <ul style="list-style-type: none"> ▣ پیروزی انقلاب اسلامی؛ آغازگر عصر جدید عالم ▣ تقابل دوگانه جدید «اسلام و استکبار»؛ پدیده برجسته جهان معاصر | تأثیر انقلاب اسلامی در تغییر نظم بین‌الملل |
| ۲ | <ul style="list-style-type: none"> ▣ شعارهای جهانی، فطری، درخشان و همیشه‌زنده انقلاب اسلامی ▣ دفاع ابدی از نظریه نظام انقلابی | دلیل ماندگاری و جهانی بودن انقلاب اسلامی |
| ۳ | <ul style="list-style-type: none"> ▣ آغاز انقلاب و نظام اسلامی از نقطه صفر ▣ مدیریت جهادی و اعتقاد به اصل «ما می‌توانیم»؛ عامل عزت و پیشرفت ایران در همه عرصه‌ها | اصول اساسی حرکت انقلاب اسلامی |
| ۴ | <ul style="list-style-type: none"> ▣ انقلاب اسلامی؛ مایه سربلندی ایران و ایرانی | اقتدار و دامنه عمل جهانی و منطقه‌ای در کنار مظلومان جهان |

همان‌طور که مشاهده می‌شود با تهیه این جدول، اولاً سیر منطقی جدیدی از بخش اول بیانیه به‌دست می‌آید. ثانیاً با تفسیری از ماهیت انقلاب اسلامی مواجه می‌شویم که این انقلاب را در کنار انقلاب فرانسه (۱۷۸۹م.) و انقلاب اکتبر روسیه (۱۹۱۷م.) به عنوان «انقلابات کبیر بشری» قرار می‌دهد؛^۱ انقلابی که هدفش نه فقط تغییر یک نظام سیاسی در مرزهای یک کشور بود بلکه در پی ساخت جهان جدیدی است.^۲ چنین طرحی از انقلاب اسلامی به صراحت در بیانیه گام دوم منعکس شده است:

آن روز که جهان میان شرق و غرب مادی تقسیم شده بود و کسی گمان یک نهضت بزرگ دینی را نمی‌برد، انقلاب اسلامی ایران، با قدرت و شکوه پا به میدان نهاد؛ چارچوب‌ها را شکست؛ کهنگی کلیشه‌ها را به رخ دنیا کشید؛ دین و دنیا را در کنار هم مطرح کرد و آغاز عصر جدیدی را اعلام نمود ... چپ و راستِ مدرنیته، از تظاهر به نشنیدن این صدای جدید و متفاوت، تا تلاش گسترده و گونه‌گون برای خفه کردن آن، هرچه کردند به اجل محتوم خود نزدیک‌تر شدند ... پس آنگاه انقلاب ملت ایران، جهان

۱. حسین کجویان در توضیح ماهیت انقلاب کبیر و مصادیق آن گفته است: «درباره تعداد انقلاب‌های کبیر، میان صاحب‌نظران اختلاف است. بعضی تعداد آنها را تا پنج انقلاب کبیر افزایش داده‌اند که شامل انقلاب انگلیس، نهضت استقلال آمریکا، انقلاب فرانسه، انقلاب شوروی و انقلاب اسلامی ایران می‌شود. اما براساس منطق درست ارزیابی تحولات تاریخی-اجتماعی و مشخصاً ماهیت دگرگونی ساختارهای ناشی از انقلابات در تاریخ بشری تنها می‌توان از سه انقلاب کبیر در عصر یا دوران اخیر تاریخ بشری سخن گفت. از این منظر، تنها سه انقلاب را می‌توان مشخص کرد که با وقوع آن تاریخ بخش عمده‌ای از جوامع بشری از جهت ارزش‌های بنیادین، منابع تغییر و شیوه‌ها یا ابزارها، و نیروهای اجتماعی پیشرو دگرگون ساخته‌اند و تحت تأثیر خود پس از پیروزی، موجی از انقلابات و جنبش‌های تابع را به وجود آورده‌اند» (۱۳۹۱: ۵۷).

۲. برای آشنایی بیشتر با این دیدگاه رجوع کنید به: ۱. داوری؛ رضا (۱۳۸۷)، **انقلاب اسلامی و وضع کنونی عالم**، تهران: مهرنیوشا. و ۲. کجویان؛ حسین (۱۳۹۱)، **انقلاب اسلامی ایران: بیداری اسلامی در بهار عربی**، تهران: شرکت انتشارات سوره مهر.



دوقطبی آن روز را به جهان سه‌قطبی تبدیل کرد و سپس با سقوط و حذف شوروی و اقمارش و پدید آمدن قطب‌های جدید قدرت، تقابل دوگانه جدید «اسلام و استکبار» پدیده برجسته جهان معاصر و کانون توجه جهانیان شد. از سویی نگاه امیدوارانه ملت‌های زیر ستم و جریان‌های آزادی‌خواه جهان و برخی دولت‌های مایل به استقلال، و از سویی نگاه کینه‌ورزانه و بدخواهانه رژیم‌های زورگو و قلدرهای باج‌طلب عالم، بدان دوخته شد. بدین‌گونه مسیر جهان تغییر یافت ... انقلاب اسلامی و نظام برخاسته از آن، از نقطه صفر آغاز شد؛ اولاً: همه‌چیز علیه ما بود ... ثانیاً: هیچ تجربه پیشینی و راه طی شده‌ای در برابر ما وجود نداشت. بدیهی است که قیام‌های مارکسیستی و امثال آن نمی‌توانست برای انقلابی که از متن ایمان و معرفت اسلامی پدید آمده است، الگو محسوب شود ... عظمت پیشرفت‌های چهل‌ساله ملت ایران آنگاه به‌درستی دیده می‌شود که این مدت، با مدت‌های مشابه در انقلاب‌های بزرگی همچون انقلاب فرانسه و انقلاب اکتبر شوروی و انقلاب هند مقایسه شود ... این انقلاب از آغاز تا امروز نه بی‌رحم و خون‌ریز بوده و نه منفعل و مردد. با صراحت و شجاعت در برابر زورگویان و گردنکشان ایستاده و از مظلومان و مستضعفان دفاع کرده است. این جوانمردی و مروت انقلابی، این صداقت و صراحت و اقتدار، این دامنه عمل جهانی و منطقه‌ای در کنار مظلومان جهان، مایه سربلندی ایران و ایرانی است ... برای همه‌چیز می‌توان طول عمر مفید و تاریخ مصرف فرض کرد، اما شعارهای جهانی این انقلاب دینی از این قاعده مستثناست؛ آنها هرگز بی‌مصرف و بی‌فایده نخواهند شد، زیرا فطرت بشر در همه عصرها با آن سرشته است. آزادی، اخلاق، معنویت، عدالت، استقلال، عزت، عقلانیت، برادری، هیچ‌یک به یک نسل و یک جامعه مربوط نیست تا در دوره‌ای بدرخشد و در دوره‌ای دیگر افول کند.

۲. منطق حرکت اولیه انقلاب اسلامی

مقدمه بخش دوم بیانیه (برکات بزرگ انقلاب اسلامی) به تشریح منطق حرکت اولیه انقلاب اسلامی می‌پردازد؛ منطقی که کماکان ایده اصلی رهبر انقلاب اسلامی برای تحقق گام دوم انقلاب را نیز تشکیل می‌دهد. بر این اساس، رهبر انقلاب با الهام‌گیری از حرکت اولیه انقلاب درصدد است از طریق «تقویت اراده ملی»، «میدان‌داری جوانان»، «اتکا به توان داخل» و شعار «ما می‌توانیم» گام دوم انقلاب را با قدرت بردارد.

جدول ۲. منطق حرکت اولیه انقلاب اسلامی

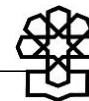
(مروری بر مقدمه بخش دوم بیانیه)

| کانون تحول | چگونگی پیشرفت انقلاب اسلامی در گام اول | جایگاه پیشرفت در اهداف انقلاب اسلامی |
|------------------------------------|---|---|
| حوزه سیاسی | تبدیل سلطنت استبدادی به حکومت مردمی و مردم‌سالاری | پایان دادن به انحطاط تاریخی کشور و قرار دادن آن در مسیر پیشرفت سریع |
| حوزه اجتماعی | به عرصه آوردن عنصر اراده ملی به عنوان جان‌مایه پیشرفت همه‌جانبه و حقیقی | |
| | وارد کردن جوانان به میدان‌داری حوادث و عرصه مدیریت | |
| حوزه زیرساختی، عمرانی و اقتصادی | انتقال روحیه و باور «ما می‌توانیم» به همگان | |
| | آموختن اتکا به توان داخلی | |

۳. نسبت حوزه‌های مختلف در حرکت اولیه انقلاب اسلامی

به واسطه اندکی جابه‌جایی بندهای مختلف بخش دوم بیانیه (برکات بزرگ انقلاب اسلامی) سیر منطقی جدیدی از این بخش به دست می‌آید و مشخص می‌شود - همان‌طور که پژوهش‌های جامعه‌شناختی نشان می‌دهد - انقلاب اسلامی از حوزه فرهنگ آغاز شد و به حوزه سیاست ورود یافت و تاکنون بیشترین برکات آن در این حوزه بوده است.^۱ به علاوه، به نظر می‌رسد جمهوری اسلامی - به‌رغم زحمات متعددی که متحمل شده است - در دو حوزه «زیرساختی، عمرانی و اقتصادی» و البته «عدالت اقتصادی» همچنان با جایگاه مطلوب خود فاصله دارد.

۱. برای مطالعه بیشتر رجوع کنید به: ۱. پناهی؛ محمدحسین (۱۳۷۹)، بررسی زمینه‌ها و اهداف انقلاب اسلامی ایران بر اساس شعارهای انقلاب، **فصلنامه علوم اجتماعی** (دانشگاه علامه)، شماره ۱۱-۱۲ همچنین ۲. پناهی؛ محمدحسین (۱۳۸۵)، ارزش‌های جهاد و شهادت در شعارهای انقلاب اسلامی، **نامه علوم اجتماعی** (دانشگاه تهران)، شماره ۲۹ و نیز ۳. پناهی؛ محمدحسین (۱۳۸۵)، اثر انقلاب اسلامی ایران در نظریه‌های فرایند جنبش انقلابی، **فصلنامه علوم اجتماعی** (دانشگاه علامه)، شماره ۳۶.



جدول ۳. نسبت حوزه‌های مختلف در حرکت اولیه انقلاب اسلامی

(مروری بر برکات بزرگ ذکر شده برای انقلاب اسلامی در بخش دوم بیانیه پس از تغییر ترتیب بندها)

| ردیف | بندهای بخش دوم بیانیه | مراحل پیشرفت جامعه انقلابی در گام اول |
|------|---|---------------------------------------|
| ۱ | افزایش چشمگیر معنویت و اخلاق در فضای عمومی جامعه | فرهنگی |
| ۲ | به اوج رسانیدن مشارکت مردمی و مسابقه خدمت‌رسانی | سیاسی و مردمی؛ سطح ملی |
| ۳ | ارتقای شگفت‌آور بینش سیاسی آحاد مردم | سیاسی و مردمی؛ سطح بین‌المللی |
| ۴ | ثبات و امنیت و حفظ تمامیت ارضی ایران | سیاسی و امنیتی؛ سطح ملی |
| ۵ | ایستادگی روزافزون در برابر قلدران و زورگویان و مستکبران جهان | سیاسی و امنیتی؛ سطح بین‌المللی |
| ۶ | موتور پیشران کشور در عرصه علم و فناوری و ایجاد زیرساخت‌های حیاتی و اقتصادی و عمرانی | زیرساختی، عمرانی و اقتصادی |
| ۷ | سنگین کردن کفه عدالت در تقسیم امکانات عمومی کشور | عدالت اقتصادی |

بازخوانی محتوای بند «افزایش چشمگیر معنویت و اخلاق در فضای عمومی جامعه» مؤید چنینس جدید ما بوده و نشان می‌دهد نیروی اصلی و اساس مراحل بعدی پیشرفت جامعه انقلابی در گام اول را فرهنگ و معنویت تشکیل داده است؛ معنویتی که به حوزه سیاست، امنیت، سازندگی و... رنگ و بوی جدیدی بخشید:

انقلاب اسلامی [عیار معنویت و اخلاق را در فضای عمومی جامعه به‌گونه‌ای چشمگیر افزایش داد. این پدیده مبارک را رفتار و منش حضرت امام خمینی در طول دوران مبارزه و پس از پیروزی انقلاب، بیش از هر چیز رواج داد؛ آن انسان معنوی و عارف و وارسته از پیرایه‌های مادی، در رأس کشوری قرار گرفت که مایه‌های ایمان مردمش بسی ریشه‌دار و عمیق بود ... رویکرد دینی و اخلاقی در جمهوری اسلامی، دل‌های مستعد و نورانی به‌ویژه جوانان را مجذوب کرد مجاهدت‌های جوانان در میدان‌های سخت از جمله دفاع مقدس، با ذکر و دعا و روحیه برادری و ایثار همراه شد و ماجراهای صدر اسلام را زنده و نمایان در برابر چشم همه نهاد ... مساجد و فضاهای دینی رونقی بی‌سابقه گرفت. صف نوبت برای اعتکاف از هزاران جوان و استاد و دانشجو و زن و مرد و صف نوبت برای اردوهای جهادی و جهادسازندگی و بسیج‌سازندگی از هزاران جوان داوطلب و فداکار آکنده شد.

همچنین برای فهم بخش دوم بیانیه (برکات بزرگ انقلاب اسلامی)، باید به تفاوت دو مفهوم «برکت» و «دستاورد» توجه داشت. چراکه انتخاب و گزینش بخش دوم براساس منطبق «برکت» صورت گرفته است و نه «دستاورد». بنابراین، درحالی‌که مفهوم برکت شامل دستاورد هم می‌شود اولاً

دست‌آورد چیزی است که صرفاً با منطق هزینه و فایده اقتصادی محاسبه می‌شود و از این جهت، ممکن است برکاتی مانند «ایستادگی در برابر مستکبران جهان» در نظر مادیون، غیرمنطقی و هزینه‌آفرین جلوه کند.^۱ ثانیاً دستاوردهای انقلاب اسلامی به مراتب بیش از چیزی است که در بیانیه گنجانده شده است.

۴. منطق پیشرفت از دیدگاه رهبر انقلاب اسلامی^۲

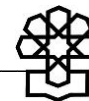
پرسش از منطق پیشرفت در دیدگاه رهبر انقلاب اسلامی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ چراکه نه تنها علت عقب‌ماندگی تاریخی ایران را روشن می‌کند بلکه مسیر آینده جامعه را نیز ترسیم می‌کند و از این جهت، شاید بتوان ادعا کرد «جهاد علمی» در بیانیه گام دوم انقلاب، نقش موتور و پیشران را ایفا می‌کند.

جدول ۴. مروری بر دیدگاه مختار رهبر انقلاب درباره نسبت علم و پیشرفت

(منطق پیشرفت از دیدگاه رهبر انقلاب اسلامی مستتر در اولین توصیه بخش چهارم بیانیه)

| | | |
|---|--|---|
| دانش، آشکارترین وسیله عزت و قدرت یک کشور است. روی دیگر دانایی، توانایی است. | ۱. علم چیست و چه می‌کند؟ | پرسش‌هایی پیرامون «جهاد علمی» به مثابه موتور گام دوم انقلاب |
| ازیرا [دنایای غرب به برکت دانش خود بود که توانست برای خود ثروت و نفوذ و قدرت دوپست‌ساله فراهم کند و با وجود تهیدستی در بنیان‌های اخلاقی و اعتقادی، با تحمیل سبک زندگی غربی به جوامع عقب‌مانده از کاروان علم، اختیار سیاست و اقتصاد آنها را به دست گیرد. | ۲. چرا علم بر سایر حوزه‌ها مقدم است؟ | |
| سبک زندگی (فرهنگ)، سیاست، اقتصاد | ۳. علم چه حوزه‌هایی را شکل می‌دهد؟ | |
| عقب‌ماندگی شرم‌آور علمی در دوران پهلوی‌ها و قاجارها در هنگامی که مسابقه علمی دنیا تازه شروع شده بود، ضربه سختی بر ما وارد کرده و ما را از این کاروان شتابان، فرسنگ‌ها عقب نگه داشته بود. | ۴. چرا ایران دچار عقب‌افتادگی شد و ضرورت انقلاب اسلامی پدید آمد؟ | |
| ما به سوء استفاده از دانش مانند آنچه غرب کرد، توصیه نمی‌کنیم، اما مؤکداً به نیاز کشور به جوشاندن چشمه دانش در میان خود اصرار می‌ورزیم. | ۵. ما چه باید بکنیم؟ | |

۱. برای آشنایی بیشتر با این دوگانه و تأثیر آن در سرنوشت انقلاب‌ها رجوع کنید به: آوینی؛ سید مرتضی (۱۳۶۹)، مقاله «از هر طریق که راه بسپاری، کار را به قطعنامه ۵۹۸ می‌کشانند»، **ماهنامه سوره**، دوره دوم، شماره ۴.
 ۲. در این متن، مجال بررسی دیدگاه امام خمینی (ره) وجود ندارد اما اجمالاً می‌توان گفت دیدگاه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای مشابه دیدگاه بنیانگذار انقلاب اسلامی است.



۵. شرایط و الزامات قدم نهادن در گام دوم انقلاب و مسیر پیشرفت آن

مطابق مفاد بیانیه گام دوم، حرکت در مسیر پیشرفت مستلزم دو شرط است: ۱. شرط لازم به مثابه شرایط زمینه‌ای و واکنشی در برابر سیاست تبلیغی و رسانه‌ای دشمن [ضرورت ذهنی و دارای ماهیت سلبی] ۲. شرط کافی به مثابه کنش خلاق و سازنده در برابر عقب‌ماندگی تاریخی [ضرورت عینی و دارای ماهیت ایجابی].

جدول ۵. شرط لازم و کافی برای حرکت در مسیر پیشرفت (مروری بر مقدمه و اولین توصیه بخش چهارم بیانیه)

| | | |
|--|----------|---|
| امید و نگاه خوش‌بینانه به آینده (برحذر بودن از نومیدی بی‌جا و ترس‌کاذب - که هدف سیاست تبلیغی و رسانه‌ای دشمن است - به عنوان نخستین و ریشه‌ای‌ترین جهاد) | شرط لازم | شرایط پیگیری سرفصل‌ها و توصیه‌های اساسی گام دوم |
| علم و پژوهش (جهاد علمی) | شرط کافی | |

به همان میزان که در جدول ۵ بر «امید و نگاه خوش‌بینانه به آینده» به عنوان شرط لازم برای حرکت در مسیر پیشرفت تأکید شد، در جدول ۶ نیز الزامات ذهنی و شناختی حائز اهمیت تلقی شده‌اند.

جدول ۶. الزامات ذهنی و شناختی برای ورود به گام دوم انقلاب (الزامات اخذ شده از بخش اول بیانیه)

| الزامات تداوم مسیر انقلاب | بندهای بخش اول بیانیه | ردیف |
|---------------------------|---|------|
| شناخت درست گذشته | □ برای برداشتن گام‌های استوار در آینده، باید گذشته را درست شناخت | ۱ |
| اطلاع از وضعیت کنونی | □ جمهوری اسلامی و فاصله میان بایدها و واقعیت‌ها | ۲ |
| توجه به چشم‌انداز آتی | □ ورود انقلاب اسلامی به دومین مرحله خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی | ۳ |

۶. وضعیت جمهوری اسلامی در آستانه گام دوم

با ایجاد تغییراتی در ترتیب بندهای بخش سوم بیانیه (انقلاب چهل‌ساله و گام بزرگ دوم) با تصویری از وضعیت جمهوری اسلامی در آستانه گام دوم روبه‌رو می‌شویم؛ تصویر ترسیم شده‌ای که به ما می‌گوید انقلاب اسلامی، ضمن ارتقای جایگاه استراتژیک سیاسی و امنیتی کشور توانسته است نیروی انسانی تحصیل کرده و جوان را مهیای تحقق پیشرفت کشور در گام دوم سازد.

جدول ۷. ترسیم وضعیت جمهوری اسلامی در آستانه گام دوم

(مروری بر بخش سوم بیانیه پس از تغییر چینش‌بندها)

| ردیف | بندهای بخش سوم بیانیه | انواع و منشأ ظرفیت‌های کشور برای پیشرفت |
|------|---|--|
| ۱ | فهرست طولانی فرصت‌های مادی کشور | ظرفیت سخت‌افزاری و مادی - نعمت‌های خدادادی |
| ۲ | اقتدار انقلاب اسلامی و تغییر چالش‌ها و شکست مستکبران | جایگاه استراتژیک سیاسی و امنیتی کشور - دستاورد انقلاب اسلامی |
| ۳ | نیروی انسانی مستعد و کارآمد با زیربنای عمیق و اصیل ایمانی و دینی؛ مهم‌ترین ظرفیت امیدبخش کشور | ظرفیت نرم‌افزاری و غیرمادی - دستاورد انقلاب اسلامی (عمدتاً معطوف به حوزه علم و فناوری) |
| ۴ | جوانان؛ محور تحقق نظام پیشرفته اسلامی | عامل سازنده آینده کشور |

برای شناخت جایگاه این بخش در دیدگاه رهبر انقلاب باید به منطق حرکت اولیه انقلاب اسلامی یعنی تأکید بر «میدان‌داری جوانان» - که در جدول ۲ مطرح شد - توجه کنیم.

۷. چالش‌های جمهوری اسلامی ایران در آستانه گام دوم

پس از اِعمال تغییراتی در ترتیب قرار گرفتن بندهای باقی‌مانده بخش چهارم بیانیه، اولاً سهم متفاوت حوزه‌های مختلف در بخش چهارم بیانیه به‌دست می‌آید. ثانیاً بدون هیچ واسطه‌ای با چالش‌های امروز انقلاب اسلامی مواجه می‌شویم.

جدول ۸. چالش‌های جمهوری اسلامی در آستانه گام دوم

(مروری بر بخش چهارم بیانیه پس از اِعمال تغییراتی در ترتیب قرارگیری بندهای باقی‌مانده)

| | | |
|---|-------------|--|
| <p>□ یک) اقتصاد</p> <p>(الزام برای پیگیری اقتصاد مقاومتی)</p> <p>□ دو) عدالت و مبارزه با فساد</p> <p>(نیاز به دستگاه مبارزه با فساد)</p> <p>(جلوگیری از تبعیض در توزیع منابع)</p> | حوزه اقتصاد | سرفصل‌ها و توصیه‌های اساسی گام دوم (حوزه‌ها) |
| <p>□ سه) استقلال و آزادی</p> <p>(تأمین استقلال ملی و آزادی‌های اجتماعی)</p> <p>□ چهار) عزت ملی، روابط خارجی، مرزبندی با دشمن</p> <p>(ممنوعیت مذاکره جدید)</p> | حوزه سیاست | |
| <p>□ پنج) معنویت و اخلاق</p> <p>(ضرورت تعهد دولت درباره معنویت و اخلاق)</p> <p>□ شش) سبک زندگی</p> <p>(مبارزه با سبک زندگی غربی)</p> | حوزه فرهنگ | |



نکات قابل توجه این بخش بدین شرح است: ۱. به‌رغم چهار دهه تلاش و به‌خصوص تصویب سیاست‌های اصل چهل و چهارم قانون اساسی،^۱ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی^۲ و... نه تنها مشکلات اقتصادی کاهش محسوسی نیافته بلکه بحث فساد نیز به آن افزوده شده است. ۲. بخشی از چالش‌ها دقیقاً مربوط به حوزه سیاست است یعنی همان حوزه‌ای که طی چندین دهه بالاترین سطح توفیقات را تحصیل کرده است. ۳. چالش‌های بخش فرهنگ را نباید دست‌کم گرفت؛ گو اینکه هشدار نسبت به چالش‌های این حوزه از سال‌های ابتدایی دهه ۱۳۷۰ و با طرح شعار تهاجم فرهنگی آغاز شده و تداوم یافته است.

ب) ترسیم روابط نسلی پیشبرندگان گام‌های اول و دوم

یکی از مسائل هر انقلابی، روابط میان نسل‌های فعال دوره‌های مختلف است؛ امری که بازتاب آن در کلام رهبر انقلاب را می‌توان در سرفصل‌های زیر مشاهده کرد:

• ضرورت پاسداشت نسل‌های پیشبرنده گام اول و دوم انقلاب

درودی از اعماق دل بر این ملت؛ بر نسلی که آغاز کرد و ادامه داد و بر نسلی که

اینک وارد فرایند بزرگ و جهانی چهل سال دوم می‌شود.

• درس تواضع برای نسل پیشبرنده گام اول در برابر نسل مسئول تحقق گام دوم

اینک در آغاز فصل جدیدی از زندگی جمهوری اسلامی، این بنده ناچیز مایلم با

جوانان عزیزم، نسلی که پا به میدان عمل می‌گذارد تا بخش دیگری از جهاد بزرگ

برای ساختن ایران اسلامی بزرگ را آغاز کند، سخن بگویم.

• نسبت جوانان و انقلاب در گام اول

۱. *انقلاب ... جوانان را میدان‌دار اصلی حوادث و وارد عرصه مدیریت کرد؛ روحیه و باور*

«ما می‌توانیم» را به همگان منتقل کرد؛ به برکت تحریم دشمنان، اتکا به توانایی

داخلی را به همه آموخت و این منشأ برکات بزرگ شد.

۲. *مجاهدت‌های جوانان در میدان‌های سخت از جمله دفاع مقدس، با ذکر و دعا و روحیه*

برادری و ایثار همراه شد و ماجراهای صدر اسلام را زنده و نمایان در برابر چشم همه

نهاد.

۱. ابلاغی مقام معظم رهبری در مورخ ۱۳۸۴/۳/۱.

۲. ابلاغی مقام معظم رهبری در مورخ ۱۳۹۲/۱۱/۲۹.

- **ضرورت بهره‌مندی نسل مسئول تحقق گام دوم از تجارب نسل پیشبرنده گام اول**

عزیزان! نادانسته‌ها را جز با تجربه خود یا گوش سپردن به تجربه دیگران نمی‌توان دانست. بسیاری از آنچه را ما دیده و آزموده‌ایم، نسل شما هنوز نیازموده و ندیده است. ما دیده‌ایم و شما خواهید دید ... برای برداشتن گام‌های استوار در آینده، باید گذشته را درست شناخت و از تجربه‌ها درس گرفت؛ اگر از این راهبرد غفلت شود، دروغ‌ها به جای حقیقت خواهند نشست و آینده مورد تهدیدهای ناشناخته قرار خواهد گرفت.

- **تداوم مبانی ارزشی و اعتقادی نسل پیشبرنده گام اول در نسل مسئول تحقق گام دوم**

اطی این چهار دهه [صف نوبت برای اعتکاف از هزاران جوان و استاد و دانشجو و زن و مرد و صف نوبت برای اردوهای جهادی و جهادسازندگی و بسیج سازندگی از هزاران جوان داوطلب و فداکار آکنده شد. نماز و حج و روزه‌داری و پیاده‌روی زیارت و مراسم گوناگون دینی و انفاقات و صدقات واجب و مستحب در همه‌جا به‌ویژه میان جوانان رونق یافت و تا امروز، روزه‌روز بیشتر و با کیفیت‌تر شده است.

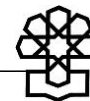
- **مهم‌ترین درس برآمده از تجربه گام اول برای نسل مسئول تحقق گام دوم**

آزادی، اخلاق، معنویت، عدالت، استقلال، عزت، عقلانیت، برادری، هیچ‌یک به یک نسل و یک جامعه مربوط نیست تا در دوره‌ای بدرخشد و در دوره‌ای دیگر افول کند. هرگز نمی‌توان مردمی را تصور کرد که از این چشم‌اندازهای مبارک دل‌زده شوند. هرگاه دل‌زدگی پیش آمده، از روی‌گردانی مسئولان از این ارزش‌های دینی بوده است و نه از پابندی به آنها و کوشش برای تحقق آنها.

- **مهم‌ترین انتظارات از نسل مسئول تحقق گام دوم**

۱. واقعیت آن است که دستاوردهای مبارزه با بی‌عدالتی در این چهار دهه، با هیچ دوره دیگر گذشته قابل مقایسه نیست ... جمهوری اسلامی در شمار موفق‌ترین حاکمیت‌های جهان در جابه‌جایی خدمت و ثروت از مرکز به همه جای کشور، و از مناطق مرفه‌نشین شهرها به مناطق پایین‌دست آن بوده است ... البته عدالت مورد انتظار در جمهوری اسلامی که مایل است پیرو حکومت علوی شناخته شود، بسی برتر از اینهاست و چشم امید برای اجرای آن به شما جوان‌هاست.

۲. بی‌شک فاصله میان بایدها و واقعیت‌ها، همواره وجدان‌های آرمان‌خواه را عذاب داده و می‌دهد، اما این، فاصله‌ای طی‌شدنی است و در چهل سال گذشته در مواردی بارها طی



شده است و بی‌شک در آینده، با حضور نسل جوان مؤمن و دانا و پُرانگیزه، با قدرت بیشتر طی خواهد شد.

۳. مدیران جوان، کارگزاران جوان، اندیشمندان جوان، فعالان جوان، در همه میدان‌های سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و بین‌المللی و نیز در عرصه‌های دین و اخلاق و معنویت و عدالت، باید شانه‌های خود را به زیر بار مسئولیت دهند، از تجربه‌ها و عبرت‌های گذشته بهره‌گیرند، نگاه انقلابی و روحیه انقلابی و عمل جهادی را به‌کار بندند و ایران عزیز را الگوی کامل نظام پیشرفته اسلامی بسازند.

۴. دهه‌های آینده دهه‌های شماسست و شمایید که باید کارآموده و پُرانگیزه از انقلاب خود حراست کنید و آن را هرچه بیشتر به آرمان بزرگش که ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی (ارواح‌نفاذ) است، نزدیک کنید.

ج) واکاوی بیانیه «گام دوم انقلاب»

منظور از واکاوی، کوشش برای نشان دادن روابطی است که به‌رغم وجود شواهد آن در متن، احتمالاً مورد نظر صادرکننده نبوده و بدون چشم مسلح به نوعی بصیرت نظری، شناخت آن میسر نخواهد بود. مجوز تلاش برای واکاوی بیانیه در آن نهفته است؛ آنجایی که می‌گوید:

انقلاب اسلامی همچون پدیده‌ای زنده و با اراده، همواره دارای انعطاف و آماده تصحیح خطاهای خویش است، اما تجدیدنظرپذیر و اهل انفعال نیست. به نقدها حساسیت مثبت نشان می‌دهد و آن را نعمت خدا و هشدار به صاحبان حرف‌های بی‌عمل می‌شمارد.

و می‌گوید:

جمهوری اسلامی، متحجر و در برابر پدیده‌ها و موقعیت‌های نو به نو، فاقد احساس و ادراک نیست، اما به اصول خود به شدت پایبند و به مرزبندی‌های خود با رقیبان و دشمنان به شدت حساس است.

بنابر آنچه گفته شد در ادامه می‌کوشیم به برخی نکات پنهان اما موجود در بیانیه بپردازیم. یکی از نکات مورد توجه بیانیه تذکر به برخی غفلت‌هاست؛ غفلت‌هایی که حکم سرعت‌گیرهایی را در مسیر انقلاب داشته‌اند:

بدانید که اگر بی‌توجهی به شعارهای انقلاب و غفلت از جریان انقلابی در برهه‌هایی از تاریخ چهل‌ساله نمی‌بود - که متأسفانه بود و خسارت‌بار هم بود - بی‌شک دستاوردهای انقلاب از این بسی بیشتر و کشور در مسیر رسیدن به آرمان‌های بزرگ بسی جلوتر بود و بسیاری از مشکلات کنونی وجود نمی‌داشت.

با توجه به دقت نظر فوق - به دلیل اقتضائات انتشار عمومی و ظرفیت تاریخ‌ساز بیانیه - در متن آن سخن صریحی درباره علل پدید آمدن چنین غفلت‌هایی به میان نمی‌آید.

از سوی دیگر، شاهدیم که مطابق جدول ۸ بخش بزرگی از چالش‌های امروز انقلاب اسلامی در حوزه‌هایی واقع شده‌اند که بستر بلکه منشأ بزرگ‌ترین موفقیت‌های این انقلاب بوده‌اند؛ یعنی حوزه‌های فرهنگ و سیاست. تأکید بر مواردی نظیر «ممنوعیت مذاکره جدید»، «ضرورت تعهد دولت درباره معنویت و اخلاق» و «خطر بروز وسوسه مال و مقام و ریاست ... در جمهوری اسلامی که روزی مدیران و مسئولانش مسابقه زهد انقلابی و ساده‌زیستی می‌دادند» نشانه چنین اتفاق ناخرسندکننده‌ای است.

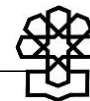
اما چه عاملی سبب شکل‌گیری این وضعیت شده است؟ پاسخ اجمالی علل شکل‌گیری وضعیت کنونی - بالاخص در حوزه سیاست خارجی و ممنوعیت مذاکره - در بیانیه آمده است:

اینکه کسی گمان کند که «مشکلات اقتصادی صرفاً ناشی از تحریم است و علت تحریم هم مقاومت ضد استکباری و تسلیم نشدن در برابر دشمن است؛ پس راه حل، زانو زدن در برابر دشمن و بوسه زدن بر پنجه گرگ است» خطایی نابخشودنی است. این تحلیل سراپا غلط، هرچند گاه از زبان و قلم برخی غفلت‌زدگان داخلی صادر می‌شود، اما منشأ آن، کانون‌های فکر و توطئه خارجی است که با صد زبان به تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران و افکار عمومی داخلی القا می‌شود.

این پاسخ - که نشان می‌دهد چگونه چالش‌های اقتصادی به مستمسکی برای تهدید و تحدید برکات سیاسی انقلاب اسلامی تبدیل شده - صحیح و دقیق است، اما پیرامون سمت‌وسوی حرکت نظام در حوزه اقتصاد طی سه دهه گذشته - که منشأ اصلی مشکلات کنونی ماست - سخنی نمی‌گوید.

سکوت درباره سمت‌وسوی حرکت نظام در حوزه اقتصاد در شرایطی رخ داده است که به نظر می‌رسد در آغاز پیروزی انقلاب اسلامی - به‌رغم مشکلات ناشی از وابستگی اقتصادی - وضعیت حوزه‌های فرهنگی و سیاسی دارای شرایط مثبت و شکوفایی بوده‌اند اما پس از سه دهه تلاش برای اصلاح حوزه اقتصاد، نه‌تنها این حوزه سامان نیافته است، بلکه بازتاب تغییر و تحولات اقتصادی به حوزه‌های فرهنگی و سیاسی کشور رخنه کرده و این حوزه‌ها را نیز آسیب‌پذیر کرده است.

بنابراین، اگرچه در بیانیه تأکید شده است که «اقتصاد البته هدف جامعه اسلامی نیست، بلکه وسیله‌ای است که بدون آن نمی‌توان به هدف‌ها رسید» اما جایگاه واقعی اقتصاد در - منظر گروه‌ها و اقشاری از مردم و مسئولان - جامعه امروز ما چنین نیست. به عبارت دیگر، به نظر می‌رسد آنچه برخی «مسئولان و مردم را در معرض فساد اقتصادی قرار می‌دهد»، بعضاً «تعهد دولت درباره معنویت و اخلاق را زیر سؤال می‌برد» و ممکن است با وجود خیانت آمریکا در ماجرای برجام «مذاکره مجدد با آمریکا را توجیه می‌کند» ریشه در برخی جهت‌گیری‌های اقتصادی کلان کشور دارد.



در این وضعیت، یکی از مؤلفه‌هایی که سبب بی‌توجهی به بحران جهت‌گیری اقتصادی جمهوری اسلامی و تأثیرات آن بر سبک زندگی اقشار اجتماعی مختلف می‌شود، تقلیل علم به فناوری است؛ تقلیلی که از قضا در بیانیه نیز به چشم می‌خورد:

ثانیاً: [انقلاب] موتور پیشران کشور در عرصه علم و فناوری و ایجاد زیرساخت‌های حیاتی و اقتصادی و عمرانی شد که تاکنون ثمرات بالنده آن روزبه‌روز فراگیرتر می‌شود. هزاران شرکت دانش‌بنیان، هزاران طرح زیرساختی و ضروری برای کشور در حوزه‌های عمران و حمل‌ونقل و صنعت و نیرو و معدن و سلامت و کشاورزی و آب و غیره، میلیون‌ها تحصیل‌کرده دانشگاهی یا در حال تحصیل، هزاران واحد دانشگاهی در سراسر کشور، ده‌ها طرح بزرگ از قبیل چرخه سوخت هسته‌ای، سلول‌های بنیادی، فناوری نانو، زیست‌فناوری و غیره با رتبه‌های نخستین در کل جهان، شصت برابر شدن صادرات غیرنفتی، نزدیک به ۱۰ برابر شدن واحدهای صنعتی، ده‌ها برابر شدن صنایع از نظر کیفی، تبدیل صنعت مونتاژ به فناوری بومی، برجستگی محسوس در رشته‌های گوناگون مهندسی از جمله در صنایع دفاعی، درخشش در رشته‌های مهم و حساس پزشکی و جایگاه مرجعیت در آن و ده‌ها نمونه دیگر از پیشرفت، محصول آن روحیه و آن حضور و آن احساس جمعی است که انقلاب برای کشور به ارمغان آورد. ایران پیش از انقلاب، در تولید علم و فناوری صفر بود، در صنعت به جز مونتاژ و در علم به جز ترجمه هنری نداشت.^۱

در این چارچوب، اگرچه غایت علوم فنی و مهندسی دستیابی به سطوح بالاتر تکنولوژی و تولید ثروت است، اما اداره جامعه به عنوان محمل زیست انسان‌ها و نیز ایجاد رضایتمندی از زندگی در یک کشور، تنها از طریق توسعه فناوری و خلق ارزش‌افزوده اقتصادی محقق نمی‌شود بلکه این علوم انسانی و اجتماعی - در معنای عام آن - است که می‌باید زمینه اصلاح سازمان‌ها و نهادهای اجتماعی، تسهیل روابط فردی، جمعی و خانوادگی، ارتقای نظام تعلیم و تربیت، کاهش معضلات فرهنگی اقشار مختلف اجتماعی از جمله جوانان و زنان، تأمین حقوق آحاد شهروندان، مبارزه با تبعیض و نابرابری، تضمین امنیت و... را در راستای حفظ کرامت مردم و برآوردن نیازهای اولیه ایشان فراهم سازد. از این منظر، روی دیگر تنزل علم به فناوری، تفکیک علم اقتصاد از ماهیت انسانی و اجتماعی جامعه و تقلیل آن به نوعی منطق محاسباتی درونی و مستقل است؛ تقلیلی که سبب می‌شود تا پیکره اصلی پیشرفت‌های کشور مربوط به توسعه فناورانه با جهت‌گیری تولید ثروت باشد.^۲

۱. این رویکرد در سرآغاز بخش سوم بیانیه و در هیئت نوعی جمع‌بندی بخش دوم نیز تکرار شده است: محصول تلاش چهل‌ساله، اکنون برابر چشم ماست: کشور و ملتی ... رکورددار در شتاب پیشرفت‌های علمی، رکورددار در رسیدن به رتبه‌های بالا در دانش‌ها و فناوری‌های مهم از قبیل هسته‌ای و سلول‌های بنیادی و نانو و هوافضا و امثال آن.

۲. برخی منتقدان چنین وضعیتی را ناشی از تلقی تکنیکی نسبت به حکمرانی می‌دانند.

تنزل علم به فناوری و تفکیک مقوله اقتصاد از سایر مقولات اجتماعی در جمهوری اسلامی، در شرایطی رو به گسترش است که برخی متفکران غربی از دوگانه حک‌شدگی^۱ و فک‌شدگی^۲ برای نقد این تحول پارادایمی در جامعه خود بهره برده‌اند. مفهوم حک‌شدگی بدین معناست که اقتصاد مستقل از سیاست، مذهب، فرهنگ و مناسبات اجتماعی نبوده بلکه در بستر سازوکارهای اجتماعی و فرهنگی تعریف می‌شود. این در حالی است که برخی جریان‌های علمی حوزه اقتصاد اساساً می‌کوشند تا نوعی فک‌شدگی میان اقتصاد و جامعه را تئوریزه کنند و از این طریق نه تنها اقتصاد را از بسترهای اجتماعی و فرهنگی آن جدا کنند بلکه سایر حوزه‌های فعالیت اجتماعی بشر را وادار کنند تا به الزامات اقتصاد گردن نهاده و خود را با آن وفق دهند.^۳

چنانچه با این رویکرد جدید، نظری دوباره بر بیانیه بیفکنیم مشخص می‌شود که سخنی از دستاوردها و پیشرفت‌های علوم انسانی در این متن به چشم نمی‌خورد بلکه ممکن است حجم وسیع توفیقات جمهوری اسلامی در حوزه تکنولوژی تأثیر قابل انتظار و متناسبی را بر رضایت از زندگی شهروندان برجای نگذاشته باشد.

بدین ترتیب، شاید بتوان ادعا کرد در جمهوری اسلامی اولاً نوعی تمایز رتبه‌ای و تفکیک غیرمنطقی میان اقتصاد و سایر شاخه‌های علوم انسانی در حال ایجاد شدن است و ثانیاً تصور می‌شود که دانش اقتصادی بسنده‌ای برای اداره کشور در میان مسئولان و کارشناسان نسل اول انقلاب وجود دارد و آنچه مانع از تحقق جهش اقتصادی و سعادت کشور است، عمدتاً کمبود سرمایه‌گذاری و عقب‌ماندگی از فناوری و تکنولوژی روز است؛ در حالی که چنین تصویری، محل تردید است.

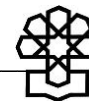
در این چارچوب، یکی از مهم‌ترین دیدگاه‌های مرسوم و متداول در ایران که از طریق نسخه‌های بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول به کشور وارد شده و به‌واسطه مقایسه‌های نسنجیده اقتصاد ایران با کشورهای نظیر کره جنوبی، مالزی و حتی ترکیه در میان مردم ترویج می‌شود، تأکید بر پذیرش بی‌چون و چرای دیدگاه لیبرالیستی در پیشرفت اقتصادی این جوامع است؛ دیدگاهی که امروزه مخدوش بودن آن تا حدود زیادی روشن شده است:

جهش رشد اقتصادی کره جنوبی در دهه ۱۹۶۰، با تولد و رشد بنگاه‌های بزرگ آغاز شده است. این بنگاه‌ها در حال حاضر به مجتمع‌های بزرگ و برندهای بین‌المللی و پراوازه‌ای چون سامسونگ، ال‌جی و هیوندایی تبدیل شده‌اند و پیشران صادرات و رشد اقتصادی کره جنوبی محسوب می‌شوند ... اگرچه در دهه ۱۹۸۰ و در دوران

1. Embeddedness

2. Disembeddedness

۳. رك: پولانی؛ كارل (۱۳۹۱)، *دگرگونی بزرگ: خاستگاه‌های سیاسی و اقتصادی روزگار ما*، ترجمه محمد مالجو. تهران: پردیس دانش، نشر و پژوهش شیرازه.



جنگ سرد، نئولیبرال‌ها تلاش می‌کردند با تأکید بر رویکرد «حداقل مداخله دولت» در اقتصاد، موفقیت کره جنوبی را توجیه و تفسیر کنند، اما در حال حاضر با وجود انبوهی از شواهد و مستندات دخالت مؤثر دولت کره جنوبی در هدایت و برنامه‌ریزی برای رشد اقتصادی، در مورد نقش محوری دولت در تولد و رشد مجتمع‌های بزرگ اقتصادی اتفاق نظر وجود دارد.^۱

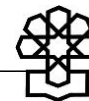
البته مقصود این گزارش و متن مورد ارجاع، تعیین تکلیف درباره مداخله یا عدم مداخله دولت در اقتصاد و یا ترسیم نوع خاصی از مداخله هدفمند نیست، بلکه غرض آن است که ارائه خوانش‌های ناصحیح از تجارب سایر جوامع توسط برخی جریان‌ها طی دهه‌های گذشته در جهان سبب شده است، بسیاری از کشورها تنها راه دستیابی به توسعه اقتصادی را از طریق ادغام در نظام جهانی اقتصاد پیگیری کنند؛ امری که تن دادن به ایدئولوژی‌زدایی در سطوح سیاسی و فرهنگی را اجتناب‌ناپذیر می‌سازد. منظور از ایدئولوژی‌زدایی این است که میدان دادن به بخش خصوصی - یا همان عدم مداخله دولت در اقتصاد - الزاماتی دارد و از جمله یک بخش خصوصی قدرتمند برای حفاظت از سرمایه خود لاجرم درصدد مشارکت‌جویی و تأثیرگذاری در نهادهای سیاسی برخواهد آمد؛ مشارکتی که هدف آن بازطراحی حوزه‌های فرهنگی و سیاسی در راستای گسترش منافع اقتصادی آن خواهد بود. تبعات سیاستی پذیرش رویکردی که ادغام در نظام جهانی اقتصاد را گریزناپذیر می‌داند در جدول ۹ قابل مشاهده است.

۱. احمدیان؛ مریم، طلائی؛ محسن و انتظاری فریدون (۱۳۹۶)، الگوی راهبردی حمایت از تولید ۶. نقش دولت کره جنوبی در تولد و رشد برندهای موفق جهانی، تهران: دفتر مطالعات اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، شماره مسلسل: ۱۵۵۹۳.

جدول ۹. مقایسه تبعات سیاستی پذیرش رویکردهای مختلف

| فرآیند پیش روی جریان نئولیبرال | فرآیند پیش روی جریان مقاومت |
|--------------------------------|--|
| سیاست اقتصادی ^۱ | - ادغام در نظام جهانی اقتصاد |
| سیاست خارجی | - ایجاد سطحی از توان اقتصادی داخلی در کنار تعامل با سایر کشورها |
| سیاست اجتماعی | - تنش‌زدایی با طرف‌های اروپایی و آمریکایی (صاحبان سرمایه و تکنولوژی و خریدار مواد خام) |
| سیاست فرهنگی | - دوستی و تعامل با کشورهای آفریقایی و آمریکایی لاتین (واجد اشتراکات سیاسی و خریدار کالاهای تولیدی داخل) |
| سیاست علمی | - ایجاد رابطه احترام‌آمیز با طرف‌های اروپایی و آمریکایی |
| سیاست داخلی | - تن دادن به پیش‌شرط‌های غرب برای سازش تحت عناوین جامعه مدنی، حقوق بشر و آزادی |
| وضعیت بدبینانه | - تلاش برای اصلاح فرهنگ توده‌های مدرن به مثابه نوعی غربزدگی |
| دستاورد خوشبینانه | - تأمین منافع سرمایه‌سالاری به اسم حمایت از سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی |
| | - گسترش فرهنگ مصرف‌گرایی |
| | - تحقیر دستاوردهای علمی داخلی و جذب نخبگان غیرمتعهد |
| | - کاهش هزینه‌های دولت بلکه افزایش آن به‌دلیل اشرافی‌گری و نفع‌طلبی |
| | - تلاش برای ایجاد علم بومی و اصلاح دانشگاه‌ها |
| | - کاهش هزینه‌های دولت و پرهیز از تجمل‌گرایی |
| | - جبران کاهش درآمد کشور از طریق ایجاد امکان تبدیل مازاد نفت تولیدی ناشی از تحریم به کالا توسط مردم |
| | - اصلاح ساختارهای دولتی و آزادسازی ظرفیت‌های مردمی |
| | - حرکت به سمت درآمدزایی غیرنفتی از قبل رابطه با غرب به عنوان مثال، تلاش برای زمینه‌سازی حضور گردشگران اروپایی و آمریکایی در کشور |

۱. نکته قابل تأمل این است که معتقدان به هر دو سیاست می‌توانند هر یک از دو طریق را به مثابه راه‌هایی برای مقاوم‌سازی اقتصاد در برابر تکان‌های خارجی تعبیر و تفسیر کنند.



بر این مبنا، ظهور و بروز تردیدهای متأخری درباره گریزناپذیر دانستن ادغام در نظام جهانی اقتصاد در قالب سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی و نیز - به گونه ظریفی - در فرازهایی از بیانیه گام دوم انقلاب قابل ردیابی است:

راه‌حلّ این مشکلات، سیاست‌های اقتصاد مقاومتی است که باید برنامه‌های اجرایی برای همه‌ی بخش‌های آن تهیه و با قدرت و نشاط کاری و احساس مسئولیت، در دولت‌ها پیگیری و اقدام شود. درون‌زایی اقتصاد کشور، مولّد شدن و دانش‌بنیان شدن آن، مردمی کردن اقتصاد و تصدیگری نکردن دولت، برون‌گرایی با استفاده از ظرفیت‌هایی که قبلاً به آن اشاره شد، بخش‌های مهمّ این راه‌حل‌ها است. بی‌گمان یک مجموعه‌ی جوان و دانا و مؤمن و مسلّط بر دانسته‌های اقتصادی در درون دولت خواهند توانست به این مقاصد برسند. دوران پیش‌رو باید میدان فعالیت چنین مجموعه‌ای باشد.

د) پیامد ابهام‌های «گام اول انقلاب» برای نظام تصمیم‌گیری کشور

آنچه در قالب واکاوی بیانیه «گام دوم انقلاب» گفته شد، به‌واقع نوعی آسیب‌شناسی مسیر حرکت کشور در گام اول است. بدین ترتیب، خروجی مباحث مرتبط با واکاوی بیانیه، یعنی «ضعف در حوزه اقتصاد» و «سرریز آن به حوزه سبک زندگی و سیاست خارجی» سبب شده است تا دشمن طرح‌هایی را برای براندازی دولت جمهوری اسلامی تدارک ببیند که بخش اعظم آنها در حوزه فعالیت نظام تصمیم‌گیری کشور (از جمله مجلس شورای اسلامی، هیئت وزیران و برخی شوراها عالی) تعریف می‌شود. بر این اساس، چنانچه حوزه توفیقات گسترده نظام را در سطح استراتژیک سیاسی - امنیتی (سطح کلان) قلمداد کنیم و در مقابل، توفیقات نظام در حوزه سبک زندگی (سطح خرد) را محدود و ناکافی در نظر بگیریم؛ سطح میانی - که همانا قلمرو سیاستگذاری، قانون‌نویسی و نهادسازی است - حوزه مورد نظر دشمن برای نفوذ را تشکیل خواهد داد. به دیگر سخن، دشمن تلاش می‌کند تا با «وعده و وعید برای برطرف کردن فشار اقتصادی» راه نفوذ خود را به حوزه قانون‌نویسی، سیاستگذاری و نهادسازی بگشاید و از این طریق ضمن ضربه زدن به توفیقات نظام در سطح کلان و مسدود کردن پیشرفت‌های این حوزه، بدنه داخلی خود را در ترویج سبک زندگی غربی (سطح خرد) تقویت کند.^۱

۱. به عنوان مثال، رهبر انقلاب فرموده‌اند: «اینکه روی سند ۲۰۳۰ این قدر اصرار دارند و کار می‌کنند، آشکار و غیرآشکار سعی می‌کنند این را تحکیم کنند بر مناسبات کشورها از جمله کشور ما، این معنایش این است ... که آموزش و پرورش باید جوری مناسبات فکری شاگردان را تنظیم کند که فلسفه زندگی‌شان، اساس زندگی‌شان، مفهوم حیات در نظرشان، طبق تفکر غربی باشد ... شما اینجا بنشینید سرباز درست کنید برای انگلیس و فرانسه و آمریکا و بقیه این وحشی‌های کراوات‌زده ادکلن‌زده ظاهر‌ساز؛ همین‌هایی که آدم می‌کشند بدون اینکه خم به ابرو بیاورند» (بیانات در دیدار معلمان و فرهنگیان، مورخ ۱۳۹۸/۳/۱۱).

شکل سطوح مختلف عملکرد جمهوری اسلامی و حوزه نفوذ دشمن



شاید به همین دلیل باشد که رهبر انقلاب، مسئله نفوذ را در سال‌های اخیر مطرح فرمودند^۱ و احتمالاً به همین ترتیب است که در مورد سبک زندگی کمتر از سایر بخش‌ها سخن گفته و بدین میزان بسنده کردند:

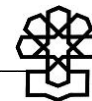
سخن لازم در این باره بسیار است. آن را به فرصتی دیگر وامی‌گذارم و به همین جمله اکتفا می‌کنم که تلاش غرب در ترویج سبک زندگی غربی در ایران، زبان‌های بی‌جبران اخلاقی و اقتصادی و دینی و سیاسی به کشور و ملت ما زده است؛ مقابله با آن، جهادی همه‌جانبه و هوشمندانه می‌طلبد که باز چشم‌امید در آن به شما جوان‌ها است.

ه) چشم‌انداز حرکت «گام دوم» در راستای تأسیس تمدن نوین اسلامی - ایرانی

تاکنون اشاره شد که:

۱. تلاش برای جبران عقب‌ماندگی تاریخی ایران و دستیابی به پیشرفت از اهمیت ویژه‌ای در دیدگاه رهبر انقلاب اسلامی برخوردار است و از این منظر، همانند گام اول، در گام دوم انقلاب نیز «جهاد علمی» نقش موتور و پیشران را ایفا می‌کند.

۱. ایشان در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری فرموده‌اند: «من از روی اطلاع دارم عرض می‌کنم که برنامه نفوذ در کشور یک برنامه جدی استکبار است ... یکی از آماج‌های این نفوذ مسئولانند؛ آماج دوم مردمنده. مسئولان آماج این نفوذند؛ برای چه؟ هدف چیست؟ هدف این است که محاسبات مسئولان را عوض کنند و تغییر بدهند؛ یعنی مسئول جمهوری اسلامی به این نتیجه برسد که با ملاحظه هزینه و فایده احساس کند که باید این اقدام را بکند، این اقدام را نکند؛ نفوذ برای این است به این نتیجه برسد که فلان رابطه را قطع کند، فلان رابطه را ایجاد کند ... آنوقت، وقتی نتیجه این بشود که فکر مسئولین و اراده مسئولین در مشیت دشمن قرار بگیرد، دیگر لازم نیست دشمن بیاید دخالت مستقیم بکند؛ نه، مسئول کشور همان تصمیمی را می‌گیرد که او می‌خواهد ... پس آماج اول مسئولین‌اند. آماج دوم مردمنده. باورهای مردم باید عوض بشود؛ باور به اسلام، باور به انقلاب، باور به اسلام سیاسی، باور به اینکه اسلام غیر از کارهای شخصی وظایف عمومی هم دارد، حکومت هم دارد، جامعه‌سازی هم دارد، تمدن‌سازی هم دارد» (۱۳۹۴/۱۲/۲۰).



۲. پس از سه دهه تلاش برای اصلاح حوزه اقتصاد، نه تنها این حوزه سامان نیافته، بلکه «ضعف در حوزه اقتصاد» و «سرریز آن به حوزه سبک زندگی و سیاست خارجی» به مستمسکی برای تهدید و تحدید برکات فرهنگی و سیاسی انقلاب اسلامی تبدیل شده است.

۳. توفیقات نظام در حوزه سبک زندگی محدود و ناکافی است. چنانچه مثلث علم (موتور محرک گام اول)، اقتصاد (عامل تزلزل گام اول) و سبک زندگی (نقطه مسکوت گام اول) را به عنوان سه مؤلفه منفک از یکدیگر در نظر آوریم؛ درگیر نوعی بخشی‌نگری شده‌ایم. اگرچه این نوع بخشی‌نگری سبب سهولت مواجهه با این سه‌گانه می‌شود اما در عمل چنین تحدید قلمروی کاملاً ناصحیح است. کما اینکه «بیانیه گام دوم» در توضیح پیوستگی این سه مؤلفه گفته است:

دنیای غرب به برکت دانش خود بود که توانست برای خود ثروت و نفوذ و قدرت دویست‌ساله فراهم کند و با وجود تهیدستی در بنیان‌های اخلاقی و اعتقادی، با تحمیل سبک زندگی غربی به جوامع عقب‌مانده از کاروان علم، اختیار سیاست و اقتصاد آنها را به دست گیرد.

در نتیجه، هرگونه تلاش برای پیگیری منویات گام دوم انقلاب مستلزم توجه به مکانیسم‌ها و چگونگی تأثیرگذاری سیاستگذاری‌های پیشین علمی و اقتصادی کشور بر مقوله سبک زندگی است؛ به نحوی که آسیب‌های این سیاستگذاری‌ها به حداقل رسیده و شرایط برای تأمین یک زندگی شرافتمندانه برای آحاد شهروندان ایران اسلامی مهیا شود. کما اینکه مواردی نظیر استفاده ابزاری از علم برای به تأخیر انداختن ورود جوانان به عرصه ازدواج و اشتغال^۱ و همچنین، تقلیل علم به فناوری که سبب عقب‌ماندگی جامعه در حوزه‌های نرم‌افزاری زندگی روزمره می‌شود، از اشکال‌های اساسی نظام تصمیم‌گیری کشور در گام اول انقلاب بوده است.

در این چارچوب، مهم‌ترین راهبرد پیوند سه‌گانه علم، اقتصاد و سبک زندگی برای فراهم ساختن بستر تأسیسی آنچه اجمالاً می‌تواند تمدن نوین اسلامی - ایرانی نامیده شود از مسیر تلاش برای ایجاد نظریه علمی جمهوری اسلامی برای پیشبرد حوزه اقتصادی با توجه به مؤلفه‌های اساسی تشکیل‌دهنده سبک زندگی عبور می‌کند. به عبارت دیگر، هنگامی که نظریه علمی جمهوری اسلامی در حوزه اقتصادی - متذکر به ابعاد اجتماعی و فرهنگی خود - بتواند سازوکار تأثیرگذاری اقتصاد بر سبک زندگی افراد در جامعه اسلامی را توضیح داده و تمایز الگوی پیشنهادی خود با الگوهای اقتصادی شرق و غرب را تشریح کند، گام نخست در این زمینه برداشته شده است.

۱. امروزه همگان از گسترش بی‌ضابطه تحصیلات عالی، کیفیت پایین برخی مراکز آموزش دانشگاهی، نرخ بالای بیکاری و افسردگی در میان جوانان دارای مدارک تحصیلی، تأثیر منفی مدرک‌گرایی بر سن ازدواج و... مطلع هستند، اما پیوندی میان اصلاح سیاستگذاری نظام علمی کشور و وضعیت نگران‌کننده سبک زندگی جوان ایرانی قائل نیستند [ر.ک: نوده فراهانی؛ اسماعیل (۱۳۹۰)، گزارش ملاحظات سیاستگذاری فرهنگی نسل جوان. شماره ۲. مفهوم جوانی، دفتر مطالعات فرهنگی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، شماره مسلسل: ۱۲۲۲۲].



مرکز پژوهش‌ها
مجلس شورای اسلامی

شماره مسلسل: ۱۶۵۹۰

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: دلالت‌های حکمرانی و سیاستگذاری بیانیه «گام دوم انقلاب»

نام دفتر: مطالعات آموزش و فرهنگ (گروه فرهنگ عمومی، ارشاد و تبلیغ اسلامی)

تهیه و تدوین: اسماعیل نوده‌فراهانی

ناظران علمی: سینا کلهر، محمد قاسمی، احسان خاندوزی

اظهار نظر کننده: محمدحسن معادی رودسری

ویراستار تخصصی: _____

ویراستار ادبی: _____

واژه‌های کلیدی:

۱. بیانیه گام دوم انقلاب

۲. نظریه انقلاب اسلامی

۳. تمدن نوین اسلامی - ایرانی

۴. سبک زندگی



تاریخ انتشار: ۱۳۹۸/۶/۱۱